

چالش‌های مفهومی و ساختاری مسئولیت حمایت

ابوذر عبدی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

abdi14@ut.ac.ir

محمدحسین رضانی قوام آبادی

دانشیار، گروه حقوق بشر و محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

ramazanighavam@yahoo.com

قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۷ (پاییز ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

مسئولیت حمایت به‌عنوان روشی جدید از مداخلات بشردوستانه از سوی نهادهای بین‌المللی و صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل در چند سال اخیر بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. این طرح دارای چالش‌های متعددی در حوزه مفاهیم و اجرایی است. به این صورت که در برخی جنبه‌های معنایی و مفهومی شکل‌گیری این طرح ناقص یا زود هنگام است. این نواقص گاه تعمیم می‌یابد و حوزه اجرا را هم در برمی‌گیرد. البته ناگفته نماند که گاهی هم نواقص از ساختار جامعه بین‌المللی نشأت می‌گیرد که مجرای برای این طرح، در آن دیده نمی‌شود. هدف این مقاله بررسی این چالش‌هاست. روش به کار گرفته شده در این راستا تلفیقی از تحلیل انتقادی-کاربردی است. بر اساس یافته‌های این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که این طرح با توجه به چالش‌های موجود نمی‌تواند آخرین راهکار باشد مگر اینکه جامعه بین‌المللی به جد درصدد حل آن‌ها برآید. برخی از آن‌ها، اگر نهادهای درگیر حقوق بین‌الملل به وظایف خود به‌درستی عمل کنند قابل‌رفع هستند. برخی دیگر هم نیاز به بازاندیشی در رفع نواقص دارد. حسب مورد و اقتضا در هر قسمت سعی شده ضمن بررسی، راه‌حل‌ها هم ارائه شود.

کلمات کلیدی: مسئولیت حمایت، مداخلات بشردوستانه، مسئولیت بین‌المللی، جامعه بین‌المللی، چالش

Conceptual and structural challenges of responsibility to protect

Abstract

The responsibility to protect as a new method of humanitarian interventions has been emphasized a lot by international institutions and international law experts in the last few years. This plan has many challenges in terms of concepts and implementation. In this way, in some semantic and conceptual aspects, the formation of this plan is incomplete or premature. These shortcomings are sometimes generalized and include the field of implementation. Of course, it goes without saying that sometimes the shortcomings originate from the structure of the international community, in which no channel for this plan can be seen. The purpose of this article is to examine these challenges. The method used in this regard is a combination of critical-applied analysis. Based on the findings of this research, we came to the conclusion that this plan cannot be the last solution considering the existing challenges unless the international community tries to solve them. Some of them can be solved if the institutions involved in international law perform their duties properly. Some others need to be reconsidered in order to fix the defects. According to the case and requirement, in each part, solutions have been tried to be presented while examining.

Keywords: responsibility to protect, humanitarian interventions, international responsibility, international community, challenge.

راه هموار است، زیرش دام‌ها
قط معنی در میان نام‌ها
لفظ و نام‌ها، چون دام‌هاست
لفظ شیرین، رگ آب عمر است
جلال‌الدین محمد بلخی

برآمد

نظریه‌های جنگ‌های عادلانه که از دیرباز مورد استفاده کشورهای درگیر جنگ بوده دلالت بر جنگ‌هایی می‌کند که باهدف مشروع به وقوع می‌پیوست. با این رویکرد کشوری که از آن بهره می‌برد، می‌گفت جنگ وی بر حق و عادلانه است. این جنگ‌ها در برابر جنگ‌های غیرعادلانه قرار می‌گرفت. جنگ‌هایی که با اهداف کشورگشایی و صرف منافع وقوع می‌یافت. امروزه با اینکه مطلق جنگ بر اساس حقوق بین‌الملل ممنوع است ولی هم در منشور ملل متحد و هم در نظرات برخی کشورها (به‌خصوص کشورهای غربی) استثنائاتی برای آن لحاظ شده است. نظرات اخیر یکی از این موارد را مسئولیت حمایت دانسته‌اند. این طرح که کمی شبیه جنگ عادلانه است، در ظاهر برای جلوگیری از جنایات مهم در انداخته شده ولی در باطن میل به توسعه محتوایی در جهت رعایت هرچه بیشتر حقوق بشر است. امری که نیک است ولی چالش‌های بسیاری دارد.

اجرای حقوق بشر در عصر حاضر مورد استناد تقریباً کلیه نهادهای بین‌المللی برای سنجش عملکرد دولت‌هاست. تا جایی که به نظر برخی در کنار سرزمین، اقتدار و جمعیت به‌عنوان رکن چهارم شناسایی یک دولت قلمداد شده است.¹ در همین راستا طرح مسئولیت حمایت که فعالیت زیادی هم برای دبیران کل سابق ملل متحد ایجاد کرده بود، به حاکمیت نه به‌عنوان یک حق صرف بلکه مسئولیتی دانسته شده که باید از شهروندان خود حمایت کند.²

اگرچه بحران‌های دهه نود میلادی در کشورهایی همچون رواندا، کوزوو و غیره را موجب بیان این طرح دانسته‌اند، ولی در واقع مسئولیت حمایت را باید روشی جدید از مداخلات بشردوستانه با چارچوبی متفاوت دانست. به نظر این قلم، این طرح هم در نظر و هم در عمل دارای چالش‌هایی است که برخی از آن‌ها در صورت حل نشدن، کل طرح را با بن‌بست مواجه می‌کند. برخی از آن‌ها که مهم جلوه می‌کند و در قالب یک مقاله هم بگنجد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف اصلی، بررسی این چالش‌ها در چارچوب منطق حقوق بین‌الملل است. منطقی که از سویی به منع استفاده از زور و از سویی به اجرای حقوق بشر دلالت دارد.³ البته برخی از این چالش‌ها به بنیان این طرح برمی‌گردد که آن‌ها نیز در همین فضا باید مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا پرسش این است که این چالش‌ها را چگونه می‌توان حل کرد؟ به نظر می‌رسد برخی از این چالش‌ها بر اساس نظم فعلی حقوق بین‌الملل قابلیت برطرف شدن را دارد. ولی شرط مهم آن این است که نهادهای درگیر در عرصه حقوق بین‌الملل وظایف خود را به‌درستی انجام دهند. برخی دیگر

¹. Massingham, Eve, "Military Intervention for Humanitarian Purposes: Does the Responsibility to Protect Doctrine Advance the Legality of the Use of Force for Humanitarian Ends?" *International Review of the Red cross* 91, no. 878(2009): 404-405.

². Borti, Bendatta and Gallia, Lindestrauss, "The International Action in Libya: Revitalizing the Responsibility, The Institute for National Security Studies", *INSS Insight*, no. 250 (2011): 1.

³. Kundat, Nadja, The Responsibility to Protect as a General Principle of International Law, *Anuario Mexicano de Derecho Internacional* xi(2011): 189.

هم نیاز به بازاندیشی در رفع نواقص مسئولیت حمایت دارد. هرکدام را به فراخور در جای خود سعی کرده‌ایم مورد بررسی قرار دهیم و حسب مورد راه‌حل‌ها هم ارائه شود.

در ادبیات حقوقی فارسی سابقه پژوهشی موجود نبوده و فقط یک اثر که در متن به آن اشاره می‌شود به مورد خاص سوریه و لیبی و چالش‌های مرتبط به آن پرداخته است.^۴

مقاله در دو بخش تنظیم‌شده که در ابتدا به صورت مختصر به ابعاد این طرح و سپس در بخش دوم به چالش‌های مورد اشاره، پرداخته شده است.

۱- ابعاد مسئولیت

در گزارش‌های کمیسیون کانادایی^۵ و دبیر کل سازمان ملل متحد^۶ پیش‌گیری، واکنش و بازسازی برای ایفای مسئولیت‌های دولت حاکم و جامعه بین‌المللی پیش‌بینی شده است که به صورت مختصر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱- پیش‌گیری^۷: در این مرحله باید علت‌های وقوع جنایات چهارگانه شناخته شده و درصدد حل آن برآمد. به عنوان نمونه یکی از این علت‌ها تبعیض در برخورداری از امکانات طبیعی و غیرطبیعی یک کشور و فقر حاصل از آن و در نتیجه ایجاد حس حقارت و انتقام در بین قومیت‌ها و گروه‌های انسانی مختلف است که اثر آن وقوع درگیری‌های نظامی و غیرنظامی و ارتکاب جنایات مزبور است. کوفی آنان دبیر کل وقت در گزارش خود حکومت قانون را علاج اصلی می‌داند.^۸

در این معنا مسئولیت حمایت از مداخلات بشردوستانه جدا می‌شود. زیرا صرف مداخله را علاج ندانسته بلکه ریشه‌یابی را در اولویت گذاشته و مداخله در مرحله ثانویه قرار می‌گیرد.^۹ در این صورت مهم‌ترین مرحله اجرای مسئولیت‌ها، پیش‌گیری می‌شود. این مرحله نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت بوده که از روش‌های سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی، اجتماعی، قانونی، نظامی و امنیتی قابل حصول است.^{۱۰}

^۴ - قبل از ورود به بحث ذکر این نکته لازم است. این قلم باور جدی به حقوق بنیادین انسان‌ها دارد. اگر در این محور زبان انتقاد جاری است نه از جهت مخالفت، بلکه از این نظر است که طرف و مظروف باید با یکدیگر متناسب باشند. عدم تعبیه درست راهکار اجرای حقوق بشر خود بیشتر موجب نقض این حقوق می‌شود. بنابراین روش اجرای این حقوق کم‌اهمیت‌تر از خود این حقوق نیست.

^۵ . Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS), 2001, 19-44.

^۶ . UN Secretary-General, "Implementing the responsibility to protect" (International humanitarian law, New York: United Nation Organization, 2009), 15-21.

^۷ . prevention

^۸ . UN Secretary-General, "A more secure world - Our shared responsibility" (International humanitarian law, New York: United Nation Organization, 2004), 51.

^۹ - پروین داداندیش، « تحولات لیبی و دکترین مسئولیت حمایت»، مجله راهبرد ۲۱، ۶۲ (۱۳۹۱): ۱۷۲.

^{۱۰} . Gareth, Evans, *The Responsibility to Protect: Ending mass Atrocity Crimes Once and For All*, Washington D.C: Broking Institution, 2008, 89-104.

۱-۲- واکنش^{۱۱}: این مرحله منطقیاً باید بعد از مرحله پیش‌گیری صورت گیرد. زیرا در ابتدا باید علت‌های وقوع جنایات شناسایی و جبران شده باشند تا بتوان به وقوع آن‌ها واکنش نشان داد. اما با توجه به اینکه طرح مسئولیت حمایت هنوز در مراحل اولیه‌ی تکوین و رشد خود است، واکنش همچون مداخلات بشردوستانه بدون مقدمه انجام می‌شود.^{۱۲}

واکنش طیف وسیعی از اقدامات را دربرمی‌گیرد. این اقدامات شامل اقدامات غیرنظامی از جمله تحریم‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی، پیگیری و تعقیب اشخاص از طریق دیوان بین‌المللی کیفری و در مرحله نهایی مداخله نظامی است.^{۱۳} در این مرحله نقش شورای امنیت در گزارش‌های دبیرکل‌ها و کمیسیون کانادایی و نیز دکتربین، اساسی توصیف‌شده است.

۱-۳- بازسازی^{۱۴}: بعد از واکنش به اقدامات صورت گرفته در راستای جنایات چهارگانه نوبت بازسازی است. در اینجا با دو وجه از اقدامات روبه‌رو هستیم. یک وجه بازسازی ویرانی‌های به‌جامانده از اقدامات صورت گرفته ناشی از مخاصمات توسط جامعه بین‌المللی یا دولت حاکم (حسب مورد) و وجه دیگر بازسازی نهادها، ساختارها و حتی مفاهیم (آموزشی) به جهت جلوگیری از ارتکاب مجدد یا عدم وقوع جنایات است. می‌توان گفت بازسازی خود نوعی پیش‌گیری است و این دو مرحله است که جذابیت خاصی به طرح مسئولیت حمایت می‌دهد.

۲- چالش‌ها

مسئولیت حمایت علی‌رغم داشتن محاسن قابل‌توجه خصوصاً در برابر مداخلات بشردوستانه، دارای چالش‌هایی در مفاهیم، ساختارهای فعلی جامعه بین‌المللی و دولت‌ها و نیز در مراحل اجرایی است. به نظر می‌رسد اگر چالش‌های اجرایی که خود می‌تواند ناشی ضعف در ساختار و تعارض در مفاهیم باشد را وانهیم، مهم‌ترین چالش مسئولیت حمایت، آمیختگی گاه متعارض برخی مفاهیم و یا نبود ابزار برای کاربست آن‌هاست. برای همین در ذیل به برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

در این قسمت ما بحث را به دو قسمت چالش‌های مفهومی و ساختاری تقسیم می‌کنیم و موارد مرتبط با هریک را ذیل هرکدام بررسی می‌کنیم. نکته‌ای که قابل‌ذکر است اینکه، این تقسیم‌بندی از جهت روشن‌تر کردن موضوع صورت می‌گیرد. و الاً ممکن است یک چالش در هر دو قسمت قابل‌بررسی باشد. به‌عنوان نمونه چالشی اگرچه از حوزه معانی ممکن است سرچشمه بگیرد ولی خود این امر، از ساختار جامعه بین‌المللی باشد.

۱-۲- چالش‌های مفهومی

این چالش‌ها برآمده از مفهوم مسئولیت حمایت و ارتباط آن با سایر نهادهای جامعه‌شناختی جامعه بین‌المللی است. در چهار حوزه به آن‌ها پرداخته شده است.

۱-۱-۲- ابهام در ماهیت: حقیقت این است که معلوم نیست ماهیت مسئولیت حمایت چیست. آیا مشمول حقوق با مختصات آن است یا اینکه همچنان در مرز اخلاق است. اگر معتقد باشیم که این طرح یک روش است،^{۱۵} باید گفت درواقع معنای جدیدی ارائه نمی‌دهد بلکه همان

^{۱۱}. reaction

^{۱۲} - نک به اقدامات شورای امنیت در حوادث دارفور، لیبی، سوریه و یمن در قالب قطعنامه‌های ۱۷۰۶، ۱۹۷۳، ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۲۰۱ و ۲۲۱۶.

^{۱۳} - حسین سرتیپی، مداخلات بشردوستانه از تئوری تا عمل (تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶)، ۱۷۸-۱۵۱.

^{۱۴}. rebuild

^{۱۵} - حسن سواری و مهدی حسینی بلوچی، «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل»، مجله پژوهش حقوق ۱۳، ۳۲ (۱۳۹۰): ۱۷۷.

مداخلات بشردوستانه است. با این تفاوت که مسئولیت حمایت شکل منسجم‌تری دارد. همچنین اگر بگوییم که مفهومی جدید ظهور یافته است و به تبع آن ساختار و ابزارهای جدیدی هم در نظر گرفته شده، در این صورت سؤال مطرح می‌شود که ماهیت حقوقی آن به چه صورت است.^{۱۶}

برخی نویسندگان از اصلاح حقوق نرم^{۱۷} برای این طرح استفاده کرده‌اند.^{۱۸} در این خصوص ارائه تعریفی جامع و مورد اتفاق از حقوق نرم سخت است. ولی با ملاحظه آثار تألیف شده در این خصوص و قواعد شکل گرفته در این قالب، می‌توان گفت که این نوع از حقوق علاوه بر نداشتن خصوصیت الزام‌آور بودن، یکسری قواعد رفتاری را داراست که از صرف توصیف امری یا اخباری متمایز هستند.^{۱۹} همچنین تدوین‌کنندگان این قواعد با هر ملاحظه‌ای، این قالب حقوقی را برای ارائه قواعد به صورت آگاهانه انتخاب می‌کنند.^{۲۰} با این اوصاف و علیرغم قدرت الزام‌آور نداشتن در چارچوب زبانی خاص و روشن، به لحاظ عملی اثر می‌گذارد.

در خصوص مسئولیت حمایت بر این اساس نمی‌توان حقوق نرم را اطلاق کرد. اگرچه برخی مکتوبات موجود مرتبط با آن تقریباً خصوصیات حقوق نرم را دارا هستند ولی به نظر می‌رسد به خصوص چارچوب زبانی و هنجاری این طرح روشن نبوده و گاه متناقض هم هست. ممکن است ورود شورای امنیت در خصوص وضعیت‌هایی مثل کشورهای دارفور، لیبی، سوریه و یمن^{۲۱} دلالت بر جنبه حقوق نرم بودن مسئولیت حمایت انگاشته شود. در پاسخ باید گفت که با ملاحظه سیاق قطعنامه‌های مذکور و حوادث پیرامون مداخله شورا، اگرچه شورا در این قطعنامه‌ها گاهی از واژه مسئولیت حمایت هم استفاده کرده ولی در معنا منظور همان مداخله به روش سنتی آن بوده است. این نظر خصوصاً از این جهت تقویت می‌شود که در این مداخلات مراحل پیش‌گیری و بازسازی مدنظر واقع نشده است.

حال آیا مسئولیت حمایت امری اخلاقی محسوب می‌شود؟ باید گفت که به‌طور کلی مداخله بشردوستانه در مواردی که حقوق بنیادین انسان‌ها محل خدشه و نقض است امری اخلاقی است.^{۲۲} حال این مداخله ممکن است به روش سنتی یا در قالب مسئولیت حمایت باشد. شاید نتوان کشوری را یافت که مخالف نسل‌کشی و سایر جنایات نباشد. به عبارت دیگر نفس امر، امری اخلاقی است. ولی اخلاق برای ورود به بایدها و نبایدهای حقوقی نیاز به ضمانت اجرا دارد و الاً نمی‌توان در عرصه اجتماع از ابزار مجازات حقوقی برای آن‌ها استفاده کرد. برخی گفته‌اند

^{۱۶} این بیان تفارق گونه به معنای آن نیست که یا این است یا آن. بلکه ممکن است مفهوم و روشی یکسان باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت مسئولیت حمایت مفهومی جدید ولی معنایی کهنه است. برای مطالعه بیشتر در خصوص تفاوت معنا و مفهوم نک: احمد گل احمدی، «مفهوم، معنا، زبان»، فصلنامه پژوهش سیاست ۱۲، ۲۹ (۱۳۸۹): ۲۳۷-۲۵۲.

در مباحث بعدی خواهیم دید که این طرح هم مفهومی جدید و هم روشی جدید ولی در قالب معنایی کهنه است.

^{۱۷} soft law

^{۱۸} مرتضی نجفی اسفاد، «بررسی حقوقی دکترین مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل» در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲)، ۸.

^{۱۹} Gabrielle, Kaufmann-Kohler, "Soft Law in International Arbitration: Codification and Normativity", *Journal of International Dispute Settlement* 1, (2010): 2.

^{۲۰} Linda, Senden, "Soft Law and its Implications for Institutional Balance in the EC", *Utrecht Law Review* 1, no. 2(2005): 80.

^{۲۱} Resolution's 1706, 1973, 2042, 2043, 2201, 2216.

^{۲۲} ناصر قربان نیا، «مداخلات بشردوستانه از منظر اخلاق»، مجله نامه مفید، ۳۷ (۱۳۸۲): ۸۹.

مسئولیت حمایت در مرز اخلاق و حقوق است.^{۲۳} با این معنا استنباط می‌شود که جامعه بین‌المللی هنوز مسئولیت حمایت را به عرصه حقوق بین‌الملل وارد نکرده است. همچنین بر این اساس مسئولیت حمایت را نمی‌توان عرف بین‌المللی تلقی کرد.^{۲۴}

می‌توان گفت علی‌رغم اینکه مسئولیت حمایت امری اخلاقی است ولی همچنان برای وجود حقوقی خود از مفهوم مداخله بشردوستانه کمک می‌گیرد. به تعبیر یکی از نویسندگان "مفهومی نو با ابزارهای کهنه"^{۲۵} که تلاش می‌کند خود را به مرحله وجود برساند.

۲-۱-۲- توصیف جامعه بین‌المللی و ارتباط آن با حاکمیت‌ها: "جامعه بین‌المللی" در حقوق بین‌الملل از منظری در زبان فارسی مشترک لفظی است و دو معنا افاده می‌کند. یک معنای آن عبارت است از جامعه بین‌الدولی کشورها و معنای دیگر آن بر جامعه بشریت در کل اطلاق می‌شود. در زبان انگلیسی برای هر کدام از این معانی یک لفظ وضع شده است.

International Community بر آحاد جامعه بشری و International Society بر مفهوم کلاسیک حقوق بین‌الملل که همان اجتماع دولت‌هاست افاده معنا می‌کند. هر کدام از این معانی ضمن داشتن ویژگی‌هایی، تفاوت‌هایی هم دارند. در زبان فارسی واژه International Community از سوی برخی مؤلفان به جامعه جهانی و International Society به جامعه بین‌المللی ترجمه شده است.^{۲۶}

صرف‌نظر از بحث ترمینولوژی و با فرض پذیرش این ترجمه، Society بر همکاری^{۲۷} و Community بر همبستگی^{۲۸} تأکید دارند.^{۲۹} اصولاً Community بر زندگی گروهی در یک منطقه جغرافیایی واحد که سکونتی نسبتاً بادوام دارند اطلاق می‌شود. بین افراد این گروه تا حدود زیادی کنش متقابل وجود دارد و احساس تعلق به یکدیگر بر این اجتماع حکم فرماست. به عبارت دیگر محرک و جهت دهنده این جمع "خیر مشترک" است.^{۳۰} ولی در Society بیشتر بر تفاوت‌ها و وجود منافع متقابل تکیه می‌شود. در این جمع عموماً قرارداد نقش اساسی را ایفا می‌کند و تجمیع اراده‌ها نیز برای رسیدن به هدف یا اهداف خاصی است. به عبارت دیگر جوهره معنایی Community وحدت و Society اتحاد است.^{۳۱}

با این زمینه‌ی بحث، سؤال ابتدایی این است که وضعیت فعلی در جهان معاصر کدام یک از مختصات فوق را نشان می‌دهد و بنایان طرح مسئولیت حمایت کدام یک از معانی فوق را مدنظر داشته‌اند؟

^{۲۳} - سواری و حسینی بلوچی، پیشین، ۱۷۶-۱۷۷.

^{۲۴} - آزاده الفتی، فرزاد رستمی و احمدیان، قدرت، «دکترین مسئولیت حمایت شورای امنیت در بحران یمن و سازوکارهای قدرت در خاورمیانه»، *مطالعات روابط بین‌الملل* ۱۳، ۴۹، (۱۳۹۹): ۲۷.

^{۲۵} - هدایت الله فلسفی، *سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل (اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین‌الملل)*، چاپ اول (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶)، ۳۶۹.

^{۲۶} - ابراهیم بیگ زاده، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، چاپ اول (تهران: مجد، ۱۳۸۹)، ۵۵۶.

^{۲۷} Cooperation

^{۲۸} Solidarity

^{۲۹} - برای مطالعه بیشتر نک: امیر ارجمند، اردشیر، «گذار از عصر همکاری بین‌المللی به عصر همبستگی در فرآیند جهانی‌شدن و تحول مفهوم دولت»، *خبرنامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد*، ۲(۱۳۸۵).

^{۳۰} - هدایت الله فلسفی، *صلح جاویدان و حکومت قانون (دیالکتیک همانندی و تفاوت)*، چاپ اول (تهران: نشر فرهنگ نو، ۱۳۹۰)، ۴۸-۴۹.

^{۳۱} Michael Storper, Lena Levinas and Alejandro Mercado-Celis, 2007. "Society, Community, and Development: A Tale of Two Regions," in *Geographies of Innovation*, ed. Karen Polenske (Cambridge: Cambridge University Press, 2006), 5-9-10.

به نظر می‌رسد که جغرافیای بسیط جهان از وضعیت همگون و متوازی در خصوص نوع پیوستگی انسان‌ها برخوردار نیست. در برخی نقاط غلبه با مفاهیم "خیرمشرک" و "بشریت" و در نقاطی دیگر حتی درون مرزهای یک کشور تکیه بر تفاوت‌هاست. اگرچه خیزش‌های مهمی در جهت رسیدن به "خیرهای مشترک بین‌المللی" در قالب مفاهیمی مانند حقوق بشر، تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، مبارزه با تروریسم، میراث مشترک بشریت و خلع سلاح صورت گرفته است، ولی برخلاف جوامع ملی هنوز جنس روابط بین‌المللی به مرحله وحدت نرسیده است. هنوز شاکله اصلی حقوق بین‌الملل بر ستون حاکمیت کشورها است.^{۳۲}

طراحان مسئولیت حمایت به‌خصوص دبیر کل پرتلاش آن زمان سازمان ملل متحد (کوفی انان) با آگاهی از این تناقض معنایی و رفتاری ابداع جهت کرده‌اند. بی‌راه نیست اگر گفته شود این طرح حالتی بین تمناً و خواستن آمرانه از دولت‌هاست. این قلم بر این باور است که مسئولیت حمایت برآمده از آرمان‌هایی است که واقعیات موجود راه رسیدن به آن‌ها را صعب کرده و در تکاپوی ضمانت اجرای حقوقی است. در این طرح مسئولیتی دویخشی پیش‌بینی شده است. در ابتدا با ابداع واژه "حکمرانی بایسته"^{۳۳} از سوی دبیر کل سازمان ملل متحد، حاکمیت دولت‌ها به‌مثابه مسئولیت قلمداد شده است. در این بعد دولت حاکم باید همت کند و با استفاده از روش‌های مختلف، اجرای مؤثر حقوق بشر را دنبال نموده تا از وقوع جنایات چهارگانه جلوگیری شود.^{۳۴} اگر این دولت نخواهد یا نتواند به این وظایف عمل کند آنگاه جامعه بین‌المللی باید ورود کند و کوتاهی صورت گرفته را جبران کند. یکی از مثال‌های بارز در این زمینه استفاده از تسلیحات شیمیایی و گازهای سمی در سوریه بود. در اینجا دولت سوریه مدعی بود که این جنایت توسط گروه‌های مخالف ارتکاب یافته است. در آن برهه برای افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی مشخص نبود که کدام طرف این عمل را انجام داده است. اما با توجه به اینکه استفاده از این تسلیحات، جنایت جنگی محسوب می‌شود و با فرض اینکه گروه‌های مخالف مرتکب این جنایت شده‌اند، دولت سوریه نتوانسته به تکلیف اولیه حمایت از شهروندان در برابر این گونه جنایات عمل کند. در این قسمت مسئولیت جامعه بین‌المللی برای جبران این ناتوانی مطرح می‌شود.^{۳۵}

سؤالی که می‌توان طرح کرد این است که محدوده ناتوانی دولت‌ها^{۳۶} کجاست؟ آیا استانداردهایی وجود دارد که بر اساس آن بتوان تشخیص داد کدام دولت ناتوان است؟

در قلمرو حقوق بشر تعهدات دولت‌ها به‌طور سنتی به دو نوع تعهد به‌وسیله^{۳۷} و تعهد به نتیجه^{۳۸} تقسیم می‌شوند. در تعهدات نوع اول متعهد می‌بایست با توجه به امکانات موجود با به‌کارگیری وسایل متناسب اجرای وظیفه خود را انجام دهد. ولی در تعهدات به نتیجه، متعهد می‌بایست نتیجه منظور شده از اجرای تعهد را به دست آورد. تعهدی قطعی و منجز که محدود به امکانات خاص نشده است. تعهدات اخیر عموماً شامل حق‌های سیاسی و مدنی و تعهدات به‌وسیله برای بسیاری از حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل طرح است.^{۳۹}

در مسئولیت‌های حمایت که کاملاً بر تعهد بنا نهاده شده است، کدام‌یک از تعهدات را می‌توان تعهد به‌وسیله و کدام‌یک را می‌توان تعهد به وظیفه دانست؟ به نظر می‌رسد که این طرح از یکنواختی در مفهوم و مصادیق تعهدات برخوردار نیست. در مورد جنایات هدف، نوع تعهدات از

^{۳۲} - فلسفی، همان‌جا، ۱۵۵، ۱۵۶ و ۱۶۷.

^{۳۳} good governance

^{۳۴} UN Secretary-General, op.cit, 8.

^{۳۵} - سید باقر میر عباسی و عقیل محمدی، «چالش‌های اجرایی مسئولیت حمایت با نگاهی به وضعیت لیبی و سوریه»، پژوهش حقوق عمومی ۱۹، ۵۷ (۱۳۹۶): ۱۶.

^{۳۶} - ناتوانی دولت‌ها در این خصوص با مفهوم دولت‌های ناتوان متفاوت است که در ادامه خواهیم دید.

^{۳۷}-obligation of conduct

^{۳۸}- obligation of result

^{۳۹} - سید محمد قاری سید فاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر (جلد اول) (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰)، ۵۶-۵۳.

نوع تعهدات به نتیجه است و دولت حاکمه باید با تعبیه روش‌های مؤثر از وقوع آن‌ها جلوگیری کند. ناتوانی به هر درجه‌ای یا نخواستن در اجرای این تعهد، مسئولیت جامعه بین‌المللی را به طور فوری مطرح می‌کند.

در مورد سه مرحله پیش‌گیری، واکنش و بازسازی هم همین موضوع مطرح می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت در مراحل پیش‌گیری و بازسازی مسئولیت‌های دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در طول هم هستند. یعنی ابتدا با توجه به حقوق بین‌الملل عام و اصولی همچون اصل تعیین سرنوشت، اصل عدم‌مداخله، اصل همکاری بین‌المللی، باید دولت حاکمه را تقویت کرد که با اصلاح ساختارها، حمایت از بشریت به نحو بهتری صورت گیرد. سپس در مواردی خاص و استثنایی جامعه بین‌المللی ورود کند. به‌عبارت‌دیگر در اینجا هدف، کمک به دولت‌هاست و نه مداخله در امور داخلی آن‌ها.^{۴۰} در این موارد با توجه به اینکه معمولاً اصلاحات لازم و تعبیه ساختارهای متناسب زمان‌بر است و عدم توجه به امکانات موجود امری غیرعملی و نامعقول است، تعهدات از نوع تعهد به‌وسیله هستند. بدیهی است که ناتوانی در این نوع تعهدات امری نسبی است و حسب شرایط و وضعیت‌ها متفاوت خواهد بود. در مورد مرحله واکنشی با توجه به ترتیب پیش‌بینی‌شده در منشور ملل متحد و اسناد متفرقه مسئولیت حمایت می‌توان قائل شد که نوع تعهد، تعهد به نتیجه است. یعنی ترتیب مذکور مقید به طی شدن و اخذ نتیجه است.

حال باید پرسید که مسئولیت جامعه بین‌المللی با توصیفی که از این جامعه شد چگونه می‌خواهد به منصف ظهور برسد؟ از یک‌سوی با مفاهیمی برآمده از اهداف بلند بشریت و از سوی دیگر با کثرت جوامع مختلف و حاکمیت‌هایشان روبه‌رو هستیم. باید گفت بشریت با اتکای به این مفاهیم متعالی و بهره‌مندی از امکانات موجود در جهت تقویت و اجرای هرچه بیشتر حقوق بشر حرکت می‌کند. آنچه مسلم است نقش سازمان‌های بین‌المللی در این راستا برجسته می‌نماید.^{۴۱} بنابراین ورود یک‌جانبه قدرت‌های جهانی در جهت ایفای مسئولیت‌های جامعه بین‌المللی با این منطق ممنوع است. زیرا بانظم و عدالت که شاکله روابط بین‌المللی در عصر حاضر باید باشد مخالف است.^{۴۲} در بهره‌گیری از این ابزارها اصولاً نباید محدودیتی وجود داشته باشد. به همین دلیل طراحان مسئولیت حمایت ضمن برجسته کردن نقش سازمان ملل متحد به سازمان‌های بین‌المللی دیگر از جمله سازمان‌های منطقه‌ای نظر داشته‌اند.

سازمان ملل متحد با توجه به صلاحیت جهانی و فراگیری اعضای آن از یک‌سوی^{۴۳} و مواد ۲ (بند ۶)^{۴۴} و ۱۰۳^{۴۵} منشور ملل متحد از سوی دیگر از اهمیت بسزایی در ایفای مسئولیت جامعه بین‌المللی خواهد داشت. به‌عبارت‌دیگر "ملل متحد" در جهت نیل به آرمان‌های خود و از رهگذر دولت‌هایشان این وظیفه را به سازمان واگذار می‌کنند.^{۴۶}

بدیهی است که اجرای تعهدات مزبور از طریق سازمان باید از مجرای ارکان سازمان به منصف ظهور برسد. مجمع عمومی، شورای امنیت و دبیر کل هرکدام به فراخور صلاحیت‌ها به این امر ورود کرده‌اند. نکته‌ای که مهم است اینکه با توجه به حجیم شدن نهادهای این سازمان و بوروکراتیک بودن اقدامات آن، موضوع در وضعیت مبهمی است. به‌عبارت‌دیگر در سال‌های اخیر ارکان فرعی مختلفی از سوی ارکان اصلی

^{۴۰} - فلسفی، پیشین، ۶۲۸.

^{۴۱} . Henry G. Schermers, Niels M. Blokker, *International Institutional Law, Unity Within Diversity* (Boston: Martinus Nijhoff, 2011), V.

^{۴۲} . Charles De Visscher, trans, *Theory and Reality in Public International Law* (Princeton: Princeton University Press, 1968), 45.

^{۴۳} - رضا موسی زاده، سازمان‌های بین‌المللی (تهران: میزان، ۱۴۰۲)، ۱۰۱.

^{۴۴} - سازمان مراقبت خواهد کرد که کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، بر طبق این اصول عمل نمایند.

^{۴۵} - در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به‌موجب این منشور و تعهدات آن‌ها مطابق هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر، تعهدات آن‌ها به‌موجب این منشور مقدم خواهد بود.

^{۴۶} - برای دیدن خاستگاه ملل متحد و بر دوش کشیدن این مسئولیت بایان روشی فلسفی نک: فلسفی، پیشین، ۱۳۹۶، ۵۸.

شکل گرفته‌اند که نقش آن‌ها در مسئولیت حمایت روشن نیست. مثلاً با ایجاد شورای حقوق بشر از سوی مجمع عمومی، وظایف و کارکردهای متنوعی در قلمرو حقوق بشر برای این نهاد پیش‌بینی شده است، ولی اینکه چه نقشی می‌تواند در این خصوص داشته باشد روشن نیست. این شورا با سازوکاری که دارد خصوصاً با گزارش‌های دوره‌ای می‌تواند تأثیر به‌سزایی در شناسایی علل بحران‌زا و به‌تبع آن پیش‌گیری داشته باشد ولی با توجه به مشکلات مزبور بهره‌برداری از این امر مبهم است.

نهادهای دیگری مثل دیوان بین‌المللی کیفری، کمیسیون تحکیم صلح، صندوق مرکزی برای مداخلات بشردوستانه فوری و صندوق ملل متحد برای دموکراسی نقششان واضح نیست. حتی ممکن است در جاهایی موازی کاری فراوان و هدر رفت منابع انسانی و پولی به همراه داشته باشد.

یکی دیگر از مشکلات در این خصوص موضوع حق وتو در شورای امنیت به‌خصوص در موارد فوری با استانداردهای دوگانه در برخورد با مسائل است.^{۴۷} حق وتو موضوع تازه‌ای نیست و از بدو ایجاد سازمان در نظر و عمل، موافقان و مخالفان جدی داشته است. موافقان این امتیاز را لازمه روابط بین‌الملل در عصر حاضر می‌دانند.^{۴۸} ولی باید گفت نظام بهره‌مندی از اختیارات شورا در مسئولیت حمایت با توجه به حساسیت آن، خود می‌تواند عاملی برای ایستایی شود. البته در موارد بن‌بست، می‌توان از قطعنامه اتحاد برای صلح استفاده کرد. موضوع مهمی دیگری که به لحاظ مفهومی می‌تواند محل خدشه باشد شورا باید حتی در موضوع مسئولیت حمایت، "صلح و امنیت بین‌المللی" را مدنظر بگیرد. صلحی که گاه آمیخته به مصلحت و امنیتی که غالباً امنیت دولت‌هاست تا امنیت انسان‌ها.^{۴۹} بنابراین سازمان برای ایفای این وظایف خطیر باید درصدد ایجاد هماهنگی^{۵۰} بین نهادهای مختلف اعم از نهادهای داخلی و بیرونی سازمان باشد.

نکته‌ای که شایان ذکر است اینکه وضعیت دولت‌های ناتوان^{۵۱} در این طرح واضح نیست. این دولت‌ها که نه‌تنها در ایفای مسئولیت‌های خود عاجزند بلکه فراتر از ناتوانی، گاه در معرض فروپاشی‌اند.^{۵۲} اینکه جامعه بین‌المللی چگونه می‌خواهد این جوامع را سامان دهد در صورتی که در اولیات حقوق بشر مانده‌اند، محل تأمل است. موضوعی که هم نباید موجب تخدیش حاکمیت ملت‌ها بر سرنوشت خود باشد و هم موقعیت‌های بحرانی آن مناطق زده شود. این موضوع در سال‌های اخیر کم نبوده و جوامعی مثل رواندا، سومالی، سودان و سیرالئون درگیر این وضعیت بوده‌اند. امری که علی‌رغم تراکم نهادهای بین‌المللی، هنوز رویه‌ای منسجم برای آن ایجاد نشده است.

۲-۱-۳- توسعه اصل ممنوعیت توسل به‌زور: با تصویب منشور ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم، جامعه بین‌المللی نه‌تنها تصمیم به ممنوعیت توسل به‌زور گرفت، بلکه هرگونه تهدید به استفاده از آن را هم منع کرده است. اینکه واقعیات جامعه بین‌المللی از ۱۹۴۵ تا امروز چه بوده و چقدر این امر مراعات شده، موضوعی جداست. در منشور به‌عنوان تعهد قراردادی تنها مواد ۴۲ و ۵۳ در خصوص اقدام شورای امنیت در راستای فصل هفتم و ماده ۵۱ در مورد حق بر دفاع مشروع به‌عنوان استثنای بند ۴ ماده ۲ آمده است^{۵۳} اما بعد از ۱۹۴۵ به مرور زمان سعی در تخصیص این ممنوعیت از جمله با دفاع پیش‌دستانه، پیش‌گیرانه و مسئولیت حمایت شده است.

⁴⁷. Anne Peters, "Humanity as the A and of Sovereignty", *The European Journal of International Law* 20, no.3 (2009): 556.

⁴⁸ - بیگ زاده، پیشین، ۳۶۲-۳۶۱.

⁴⁹ - وکیل، امیرساعد، «وضعیت دارفور و غزه: میدان آزمون نظریه مسئولیت حمایت»، پژوهش حقوق ۱۳۰۳، (۱۳۹۰): ۴۰۶-۴۰۵.

⁵⁰ - برای دیدن تعریف هماهنگی نک: بیگ زاده، پیشین، ۶۲۳.

⁵¹ - Failed states

⁵² - فلسفی، پیشین، ۱۰۷.

⁵³ - Eliho Lauterpacht, (1968), "The Legal Irrelevance of the State of War", *Proceedings of the American Society of International Law at its annual meeting* 62 (1968): 60.

در خصوص مسئولیت حمایت موارد متعددی از حمله نظامی وجود دارد که دولت‌های متجاوز با استناد به این مسئله هدف خود را حمایت از مردم کشور موردتهاجم دانسته‌اند. به‌عنوان نمونه تجاوز برخی کشورهای غربی به صربستان به بهانه حمایت از مردم کوزوو یا اقدام نظامی روسیه در گرجستان به بهانه حمایت از مردم اوستیا و آبخازیا قابل طرح است که هر دو بدون مجوز شورای امنیت بوده است.^{۵۴}

سؤالی مطرح اینکه آیا مداخله نظامی از طریق مسئولیت حمایت با هدف حمایت از مردم یک کشور با قاعده امره ممنوعیت توسل به‌زور که در بند ۴ ماده ۲ مندرج است، مغایر است یا اینکه این امر یک استثنا برای اصل مذکور است؟ به‌عبارت‌دیگر آیا حتی در شرایطی که حقوق بشر به‌صورت نظام‌مند نقض می‌شود یا جنایت مهمی علیه انسان‌ها ارتکاب می‌یابد همچنان اصل ممنوعیت توسل به‌زور قابل استثنا نیست؟ این امر از آن‌سوی مهم می‌نماید که این امر از مواردی استثنایی مندرج در منشور (مواد ۵۱، ۵۳ و ۴۲) نیست.

باید متذکر شد اول اینکه هدف هرچقدر هم که مقدس باشد، وسیله را توجیه نمی‌کند. این منطق ماکیاولیستی است که برای رسیدن به هدف، استفاده از هر ابزاری را مجاز می‌داند. در عصر حاضر که جامعه بین‌المللی با فرازوفروید بسیاری در جهت یافتن نظم عادلانه بوده است، استفاده از این توجیه، به‌خصوص در فضای فعلی قدرت‌طلبی و قدرت گسترده کشورهای غالب، نوعی بازگشت به عقب است. برای همین حتی اگر با ترازوی اخلاق، مداخله بشردوستانه را مجاز بدانیم، به‌ناچار باید با حفظ اصول و اهداف ترسیم‌شده برای جامعه بین‌المللی از نهادهای برآمده از این نظم برای حفظ حقوق بنیادین بشر استفاده کرد.

مسئله‌ای دیگر که ممکن است مطرح شود اینکه اگرچه بند ۴ ماده ۲ ممنوعیت تهدید یا توسل به‌زور را مطرح کرده ولی یکی از راه‌های اصلاح هر سند تأسیسی با رویه ارکان سازمان بین‌المللی یا اعضای آن با توجه به شرایط موجود صورت می‌گیرد. مثال آن نیز بند ۳ ماده ۲۷ منشور است. در این مقرره اکثریت کیفی برای تصمیمات شورای امنیت مطرح است که موافقت پنج عضو دائم در مورد مسائل غیر از آیین کار را بیان می‌کند. در اینجا وضعیت در مورد رأی ممتنع یا خودداری از دادن رأی از سوی یک عضو دائم روشن نبود که بعداً با رویه شورای امنیت و تأیید سایر ارکان چنین رأیی و تو محسوب نمی‌شود.^{۵۵}

منشور درباره اصلاح عملی (رویه‌ای) مقررهای ندارد ولی اگر هم بپذیریم چنین امری برای ادامه حیات سازمان امری لازم است، آن را باید محدود به کار گرفت تا جایی که برخلاف اهداف سازمان بین‌المللی نباشد. بنابراین استناد به اصلاح عملی منشور در خصوص بند ۴ ماده ۲ در این مورد قابل تأمل است.

استدلالی دیگر که قابل طرح است اینکه کار شورای امنیت بر اساس فصل‌های ششم و هفتم و با رعایت ترتیبات مطرح‌شده در منشور صورت می‌گیرد. باید گفت اگر مبنای مداخله نظامی شورا مسئولیت حمایت باشد، اول باید جنایت مربوطه وقوع یافته باشد و دوم حداقل در مرحله پیش‌گیری توسل به فصل ششم هویدا باشد. سؤال این است که شورا چقدر به این موارد به راه‌حل اساسی و ریشه‌ای بحران‌ها توجه کرده است؟

همچنین اگرچه شورای امنیت می‌تواند بر اساس فصل هفتم منشور جواز مداخله نظامی را در موارد نقض یا تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی صادر کند، ولی اینکه وقایع درون یک کشور و نقض فاحش حقوق بشر بتواند مبنایی برای این مداخله باشد، موضوعی است که بی‌تردید در ذهن تدوین‌کنندگان منشور نبوده است. جامعه بین‌المللی کشورها نیز در حال حاضر اجماعی در این خصوص ندارد که مبین جواز این‌گونه مداخلات از طریق اصلاح عملی منشور باشد.

^{۵۴} - جمشید ممتاز و بهزاد صابری انصاری، «تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل ممنوعیت تهدید و توسل به‌زور»، مجله راهبرد، ۲۱، ۶۳ (۱۳۹۱): ۱۸۱.

^{۵۵} ICJ Judgment, Advisory Opinion, Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276, 1970, 22.

۲-۱-۴- محدوده معنایی اهداف مسئولیت: در طرح مسئولیت حمایت هدف، جلوگیری از وقوع جنایات نسل‌کشی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و پاک‌سازی قومی ذکر شده است.^{۵۶} این جنایات به‌جز جرم پاک‌سازی قومی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان جنایات در صلاحیت آن دیوان قرار داده شده است.^{۵۷} بعلاوه جرم تجاوز^{۵۸} هم در حیطه صلاحیت این دیوان است.

در طرح مسئولیت حمایت تعریفی از جنایت چهارگانه نشده است. اما با توجه به اینکه در حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای این جنایات منع شده‌اند، آیا برای تعریف هم به آن‌ها باید رجوع کرد؟ با این توضیح که تعاریفی که اسناد بین‌المللی در این خصوص ارائه داده‌اند چندان بی‌مناقشه نبوده است. آخرین آن‌ها اساسنامه مذکور است. در ماده ۶ این سند با پیروی از ماده ۲ کنوانسیون در خصوص منع و مجازات نسل‌کشی ۱۹۴۸^{۵۹} بیان می‌کند: منظور از نسل‌کشی یکی از اعمال زیر است که به‌قصد نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد: الف) قتل اعضای گروه ب) ایراد صدمه شدید به تمامیت جسمانی یا روحی اعضای گروه پ) قرار دادن عمدی گروه در شرایط نامناسب که منجر به نابودی جسمی کامل یا بخشی از آن گروه شود. ت) اقداماتی برای جلوگیری از تولد در گروه ث) انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر.

سؤال این است که آیا این موارد حصری هستند؟ با بررسی سابقه مذاکرات و فضای تصویب معاهده ۱۹۴۸ باید گفت این موارد حصری هستند.^{۶۰}

در مورد جنایات علیه بشریت هم ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با ذکر مصادیقی موارد جنایات علیه بشریت را تعیین می‌کند. با این توضیح که این جنایات باید در یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله صورت گیرد. نکته مهم اینکه با توجه به اطلاق واژه "حمله"^{۶۱} باید گفت شامل حمله نظامی و غیرنظامی می‌شود. به عبارتی جنایات علیه بشریت می‌تواند خارج از مخاصمات مسلحانه باشد.^{۶۲}

از سوی دیگر "تجاوز"^{۶۳} برای اولین بار به‌عنوان پدیده کیفری در صلاحیت دیوان قرار گرفت،^{۶۴} ولی تعریف آن و شرایط اعمال صلاحیت دیوان موکول به اجلاس بازنگری در آینده شده بود. تجاوز در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی در ۱۹۷۴ با ایراداتی تعریف شده بود. درنهایت در اجلاس کامپالا (۲۰۱۰) قطعنامه مجمع عمومی مبنا قرار گرفت و طی یک قطعنامه‌ای^{۶۵} عمل تجاوز جنبه کیفری به خود گرفت.^{۶۶} به‌عبارت‌دیگر عمل

⁵⁶. Luke Glanville, "The Responsibility to Protect beyond Borders", *Human Rights Law Review* 101, no.1 (2012): 1075.

⁵⁷. Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, arts 6, 7, 8.

⁵⁸. Aggression

⁵⁹. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 1948, art2.

⁶⁰ - ابراهیم بیگ زاده، «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایت بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *تحقیقات حقوقی* ۱، ۲۱-۲۲ (۱۳۷۷): ۷۹.

⁶¹. attack

⁶² - همان، ۸۵.

⁶³. aggression

⁶⁴ - رضا موسی زاده و حسین فروغی نیا، «تعریف جنایت تجاوز در پرتوی قطعنامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا»، *مجله راهبرد* ۲۱، ۶۳ (۱۳۹۱): ۱۷۷.

⁶⁵. RC/RES.4

⁶⁶ - البته قبل از آن منشور توکیو و نورنبرگ چنین دیدگاهی را نسبت به تجاوز داشتند. نک: جمشید ممتاز، مسعود طارم سری، بهرام مستقیمی، و نسرین مصفا، مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۷۸، ۷۸ (۱۳۶۶): ۲۷.

تجاوز از جنایت تجاوز با تعریف مشخص مجزا شد. گرچه آثار و حوزه معنایی عمل و جنایت تجاوز متفاوت است ولی منکر رابطه متقابل این دو نمی‌تواند شد. در توضیح باید گفت مصادیقی که قطعنامه مجمع عمومی بیان کرده خود می‌تواند زمینه وقوع جنایات دیگر شود. در مرحله پیش‌گیری این موضوع باید توجه شود که حقیقتاً برخی مواقع زیاده‌خواهی‌های سایر دولت‌هاست که موجب جنایات چهارگانه می‌شود. مسئولیت حمایت در این خصوص به‌جز تقویت اجرای قاعده منع تهدید یا توسل به‌زور به‌عنوان پیش‌گیری، چه می‌تواند باشد؟

باری در اسناد مرتبط با مسئولیت حمایت صحبتی از جنایت تجاوز نشده و معلوم نیست که جزو جنایات هدف است یا خیر؟ یک پاسخ می‌تواند این باشد که با توجه به عدم تصریح در اسناد مزبور و خصوصاً عدم توجه شورای امنیت و مجمع عمومی در این خصوص موضوع تجاوز مشمول این طرح نمی‌شود. اما در پاسخ باید گفت وقتی حمله غیرنظامی به‌عنوان مصداق جنایت علیه بشریت در اساسنامه دیوان شناخته‌شده چرا نباید حمله نظامی که از هر جهت می‌تواند شدیدتر باشد، پذیرفته شود؟ از سوی دیگر در خصوص مصادیق جنایات علیه بشریت غیر از حمله مستقیم، بند ۱۰ ماده ۷ اساسنامه دیوان بیان کرده که سایر اعمال ضد انسانی مشابه که عمداً به قصد ایجاد رنج زیاد یا صدمه شدید به جسم یا سلامت جسمی یا روحی صورت پذیرد هم مصداق جنایت علیه بشریت است. بدیهی است که تجاوز نمونه آشکار چنین اعمالی است. بنابراین جنایت تجاوز هم باید به‌عنوان مصداقی از حاکمیت غیرمستولانه مطرح شود که علیه مردم یک کشور صورت می‌گیرد. با این تفاوت که در مجموعه اسناد مرتبط با مسئولیت حمایت هدف جلوگیری از وقوع جنایات چهارگانه از سوی دولت حاکم علیه مردم خود است ولی در تجاوز هدف جلوگیری از وقوع این جنایت به‌عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت از سوی کشور خارجی علیه مردم کشور دیگر است.

البته باید متذکر شد که چون وضعیت تجاوز کارانه بسیار آمیخته به سیاست است و شورای امنیت نیز نقش مهمی در احراز آن می‌تواند داشته باشد موضوع مسکوت مانده است و الا نباید به لحاظ حقوقی منعی در این خصوص موجود باشد.

سومین جنایت مطرح در مسئولیت حمایت، جنایات جنگی است. این جنایات که اصولاً در حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی می‌شوند شامل مجموعه مقرراتی است که حاکم بر جنگ^{۶۷} در جهت حمایت هرچه بیشتر از غیرنظامیان است. این قواعد بر دو دسته از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی حاکم است. با توجه به مطالب گفته‌شده مسئولیت حمایت باید برای جلوگیری از جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه داخلی باشد. سابقه تاریخی طرح این موضوع از سوی دبیر کل معطوف به حوادث خونین داخلی در کشورهای آفریقایی است. ولی در اسناد مرتبط از مطلق این جنایات نام برده شده و به این تفکیک اشاره‌ای نشده است. برای همین می‌توان گفت در این طرح اگر به‌درستی مراحل پیش‌گفته شده اجرا شود مطلق این جنایات ممنوع است و در صورت وقوع از سوی دولت خارجی، جامعه بین‌المللی در راستای خیرهای مشترک می‌بایست به موضوع ورود کند.

آخرین جنایت مطروحه در مسئولیت حمایت پاک‌سازی قومی است. این جنایت اشعار دارد به حذف سازمان‌یافته گروه‌های قومی، نژادی و مذهبی از یک منطقه معین باهدف همگن کردن از یک یا چند قوم، نژاد یا مذهب. برای این کار از روش‌های مختلفی مثل انتقال اجباری، قتل، ایراد، صدمه جسمی و مالی شدید، ممکن است استفاده شود. در این خصوص به نظر می‌رسد که موضوع، می‌تواند از مصادیق جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و نسل‌کشی باشد. زیرا روش‌های به کار گرفته‌شده با هدف پاک‌سازی قومی عموماً با ارتکاب جنایات فوق‌محقق می‌شود. به نظر می‌رسد علت اینکه این جنایت به‌صورت مجزا بیان شده ناشی از اتفاقات تاریخی صورت گرفته در این خصوص باشد.

بنابراین باید گفت که بهتر بود مطلق وقوع جنایات فوق در مسئولیت حمایت مطرح می‌شد و کلیه دولت‌ها موظف به رعایت آن می‌بودند حتی اگر علیه مردم خود این جنایات را مرتکب نشوند. به این صورت این طرح مقرون به موفقیت بیشتری بود.

67. Jus in bello

۲-۲- چالش‌های ساختاری

این قسم از چالش‌ها بیشتر برآمده از ساختار جامعه بین‌المللی و جامعه درون یک کشور و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از یک‌سوی و وابستگی مسئولیت حمایت به آن‌ها از سوی دیگر است. این‌ها در چهار حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۲-۱- محدوده مراحل پیش‌گیری و بازسازی: دو مرحله پیش‌گیری و بازسازی به ترتیب مهم‌ترین مراحل مسئولیت حمایت هستند.^{۶۸} ولی موضوعی که وجود دارد این است که پیش‌گیری و بازسازی از کجا شروع و به کجا ختم می‌شوند؟ آیا اساساً می‌توان برای آن محدوده‌ای مشخص کرد؟

با ملاحظه گفتمان شکل‌گرفته در این خصوص ظاهراً هیچ‌گونه محدودیتی در این خصوص وجود ندارد. آموزش، فرهنگ، اقتصاد، نظام سیاسی و غیره در جوامع هدف قابل ارزیابی و دست‌کاری هستند. این وجه مسئولیت حمایت با این برداشت به‌نوعی تداعی‌گر دوران استعمار است. تقریباً می‌توان گفت هیچ تعریف روشن و واضحی در این خصوص وجود ندارد. مشخص نیست که ضمانت اجرای عدم خدشه به اصول گوناگون حقوق بین‌الملل عام از جمله حق تعیین سرنوشت که خود از قواعد آمره هم است، چیست. اینکه نظام سیاسی و اجتماعی برخلاف خواسته‌های یک ملت بر آن‌ها تحمیل نشود. موضوعی که در قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی هم بیان شده است.^{۶۹}

از سوی دیگر این مراحل در مواردی هم‌پوشانی دارند. به‌عنوان مثال پیگیری و مجازات مرتکبان، جبران خسارت، توان‌بخشی، پرداخت غرامت، تأمین هزینه‌های دارویی و درمانی مصدومان جنگی اگرچه می‌تواند از مصادیق عدالت پس‌جنگ^{۷۰} باشند، ولی هرکدام می‌تواند اقدامی در راستای بازسازی و بازیابی صلح و پیش‌گیری هم باشد.

نکته‌ای که ذکر آن خالی از فایده نیست هزینه‌های مرتبط با ایفای مسئولیت‌های فوق معلوم نیست چگونه باید تأمین شود. اگر سازمان ملل متحد باید عهده‌دار این تعهدات باشد باید اشاره کرد در حال حاضر که دولت‌ها در پرداخت هزینه سازمان‌های بین‌المللی به‌طور عام و سازمان ملل متحد به‌طور خاص تعلل می‌ورزند،^{۷۱} به چه نحو هزینه‌های فوق می‌بایست تخصیص یابد.

۲-۲-۲- شیوه‌های شناسایی علل بحران‌ها: منطق حکم می‌کند برای جلوگیری از وقوع حوادث خون‌بار، علت‌ها یا ریشه‌های آن شناسایی و مهار شوند. اینکه این ریشه‌ها چگونه شناسایی شوند موضوعی مهم است. بسا در یک جامعه با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، قومی و غیره با جوامع دیگر، علت‌های آسیب‌زا متفاوت باشند. وقتی این علت‌ها شناسایی شد باید به دنبال راه‌حل بود.^{۷۲} در طرح مسئولیت حمایت این کاستی وجود دارد که با توجه به ساختار فعلی روابط بین‌الملل، چگونه می‌توان در جوامع مختلف با تنوع فرهنگی بسیار زیاد درصدد کشف این موارد برآمد؟

⁶⁸. UN Secretary-General, op.cit, para 4,10,13,68.

⁶⁹. Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples (A/Res/1514(xv))

⁷⁰. Jus post bellum

^{۷۱}- پوریا عسکری، «عدالت پس از جنگ و مسئولیت حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه»، *مطالعات حقوق عمومی* ۴۶، ۴ (۱۳۹۵)، ۹۷۳.

⁷². Henry G. Schermers, Niels M. Blokker, *International Institutional Law, Unity within Diversity* (Boston: Martinus Nijhoff, 1995), 620.

⁷³. Gareth Evans, *The Responsibility to Protect: Ending mass Atrocity Crimes Once and For All*, (Washington D.C: Broking Institution Press, 2008), 81-84.

در سند نهایی نشست سران کشورها^{۷۴} و گزارش کمیسیون کانادایی^{۷۵} راه‌حل را در ایجاد ساختار هشداردهنده زودهنگام دانسته‌اند. این ساختار ابهام مفهومی دارد و مشخص نیست چگونه باید ایجاد شود. همچنین با فرض رفع ابهام در پیچیدگی فعلی روابط دولت‌ها چگونه این ساختار می‌خواهد عمل کند؟ نکته مهم‌تر اینکه در این اسناد توجه معنایی نشده که در مرحله پیش‌گیری باید فاعلانه و قبل از وقوع حوادث ریشه‌یابی صورت گیرد. اینکه ساختار هشداردهنده ایجاد شود تا وقوع چهار جنایت را هشدار دهد، به‌نوعی منتظر وقوع حادثه بودن است.

یکی از مهم‌ترین مشکلات در این مرحله وجود اطلاعات قابل اعتماد و به‌موقع است تا بتوان این داده‌ها را تحلیل نمود و سپس اقدام کرد. زیرا هم در جمع‌آوری آن‌ها خصوصاً از دولت‌های مستقر سختی وجود دارد و هم امکان اعمال ملاحظات و غرض‌ورزی‌ها وجود دارد.^{۷۶}

در این خصوص می‌توان از آیین‌های نظارتی محرمانه و علنی که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌های ۱۲۳۵، ۱۵۰۳ و ۲۰۰۳/۳^{۷۷} ایجاد کرده است هم بهره برد. به‌موجب این قطعنامه‌ها با بروز نشانه‌های نقض حقوق بشر وضعیت آن جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد و با روش‌های فوق بر آن دولت نظارت می‌شود. همان‌طور که اشاره شد شورای حقوق بشر هم با آیین‌های ویژه‌ای در این خصوص نقش مؤثری دارد.^{۷۸}

همچنین تحلیل این داده‌ها و ارائه راه‌حل هم خود موضوع مهمی است و نیاز به مباحث جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی و غیره دارد. البته می‌توان در این خصوص از ظرفیت دبیر کل استفاده کرد که هماهنگی‌ها و ظرفیت‌های لازم را ایجاد نماید.

۲-۲-۳- معیار تشخیص جامعه قابل اقدام: در مسئولیت حمایت با توجه به نبود ساختار متمرکز جهانی و نظام هشدار دهی مشخص نیست که چگونه باید یک کشور انتخاب و مراحل سه‌گانه در آن اجرا شود. در مواردی هم که مجمع عمومی و شورای امنیت به مسئولیت حمایت استناد کرده‌اند بعد از وقوع حوادث ناگوار در جوامع مختلف بوده است. این موضوع نیازمند طراحی یک نظام هوشمند است که کلیه کشورها از کم صدمه‌ترین جنایات هدف تا پراسیب‌ترین آن‌ها مورد رصد قرار گیرند و به‌عنوان پیش‌گیری موارد نیازمند اصلاح شناسایی و مورد اجرا قرار گیرند. به نظر می‌رسد نهادهایی مثل شورای حقوق بشر که اشاراتی در این خصوص به آن شد، به‌صورت ادواری کلیه کشورها را مورد ارزیابی قرار دهند و به‌صورت ریشه‌ای موارد نیازمند اصلاح، بررسی و اقدام شوند.

۲-۲-۴- ضمانت اجرا: حقوق بین‌الملل دارای چالش ضمانت اجراست. اگرچه حقیقت حقوقی بنابر نظری منصرف از ضمانت اجراست ولی اگر ضمانت اجرا نباشد در مرحله اجرای قاعده مشکل به وجود می‌آید. برای همین در کنار وضع و طراحی نظام حقوقی، باید ضمانت اجرای آن نیز روشن شود. در طرح مسئولیت حمایت علی‌رغم اینکه جامعه بین‌المللی در مفاهیم طرح‌شده مسئولیت دارد ولی به فرض عدم اجرا یا اجرای نامناسب این طرح، مشخص نیست که چگونه باید با موضوع برخورد کرد.

⁷⁴. Summit Outcome, 2005(A/Res/60/1), para138.

⁷⁵. Report of the ICISS, op.cit, 19-44.

⁷⁶. UN Secretary-General, op.cit, para 10.

⁷⁷. Economic and Social Council Resolution 1503 (XLVIII), 48 U.N.

Economic and Social Council Resolution 2000/3, E.S.C. Res. 3.

Economic and Social Council Resolution 1235 (XLII), 42 U.N.

⁷⁸ - مهدی ذاکریان و بهروز مختاری، «مؤلفه‌های حاکمیت مسئول و نقش گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد در ترویج آن‌ها»، مجله تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۱۸(۱۳۹۳): ۱۹۵.

به‌طور کلی باید گفت مهم‌ترین ضمانت اجرای این امر، استفاده از نهاد مسئولیت بین‌المللی⁷⁹ است. اما اینکه این موضوع به‌خصوص در طرحی هم که زودرس است، چگونه باید اجرا شود، موضوعی پیچیده و چندلایه است. در مراحل سه‌گانه‌ای که پیش‌بینی شده باید موضوع را به‌صورت جداگانه مدنظر قرارداد. در مرحله پیش‌گیری و بازسازی، نهادهای منطقه‌ای یا جهانی مثل سازمان ملل متحد یا اتحادیه آفریقا که در اجرای این طرح دخالت داشته‌اند، با توجه به نقش آن‌ها و شرایط هر مورد مسئولیت بین‌المللی را برای آن‌ها مطرح کرد. در مرحله واکنش هم عمده نهادی که نقش فراگیر دارد شورای امنیت است. حتی اگر اختیار را به نهادهایی مانند ناتو داده باشد. (البته حسب مورد امکان طرح مسئولیت بین‌المللی این نهادهای واسطه هم وجود دارد).

مسئولیت بین‌المللی شورای امنیت با توجه به اینکه رکن سازمان ملل متحد است، برای این سازمان مطرح می‌شود. ولی اینکه این سازمان را در واقعیت با توجه به ساختار و توان مسئول قلمداد کرد امری سخت یا محال می‌نماید. اما امیدوارانه می‌توان گفت با توجه به سابقه خوب دیوان بین‌المللی دادگستری، این نهاد می‌تواند نقشی مهم در این راستا ایفا کند. دیوان در رأی مشورتی خود در تفسیر موافقت‌نامه میان سازمان جهانی بهداشت و دولت مصر، سازمان‌های بین‌المللی را ملزم به مقررات عام حقوق بین‌الملل، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و اساسنامه‌ها می‌داند که در غیر این صورت امکان طرح مسئولیت بین‌المللی آن‌ها وجود دارد.⁸⁰

ناگفته پیداست قطعاً از این طریق نمی‌توان شورا را به چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل هدایت کرد ولی کورسوی امیدی برای به ترازو کشاندن این نهاد و سایر نهادهای سازمان از طریق نظریه‌های مشورتی دیوان وجود دارد. اما اینکه خواهان این مسئولیت چه کشور یا سازمانی است و آثار و ابعاد محکومیت چیست، از تاریکی‌های این طرح است.

برآمد

طراحان مسئولیت حمایت با مطرح کردن چنین طرحی در درجه اول درصدد مسئول قلمداد کردن حاکمیت دولت‌ها از یک سوی و نظام‌مند کردن مداخلات بشردوستانه از سوی دیگر بوده‌اند. چنین امری اگرچه بسیار به‌جا تشخیص داده شده است ولی در شرایط فعلی جامعه بین‌المللی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. علاوه بر موارد مرتبط با روابط بین‌المللی و وضعیت «بی‌دولتی» در جامعه جهانی و نیز معادلات قدرت‌های جهانی که جای بررسی آن‌ها در اینجا نیست، چندین چالش مهم را در این خصوص می‌توان بیان کرد. در این مقاله برخی مرتبط با عرصه مفاهیم و برخی هم مرتبط با ساختار جامعه بین‌المللی و ارتباط آن با این طرح هستند.

این طرح دارای ابهام در ماهیت است. به این صورت که هنوز مشخص نیست که از مرز اخلاق گذشته و وارد عرصه حقوق شده باشد. با احتیاط می‌توان گفت این روش از مداخلات بشردوستانه در حوزه اخلاق هم جای امنی پیدا نکرده است. زیرا حلقه گمشده آن عدالت در تمام ابعاد آن است. برای ایفای وظایف مسئولیت‌های جامعه بین‌المللی، مراد از این جامعه روشن نیست. طراحان مسئولیت حمایت از جامعه بین‌المللی ایفای مراد همبستگی ولی با همکاری دولت‌ها را داشته‌اند. مسئولیت حمایت برای جلوگیری از پیش‌آمد جنایات چهارگانه اندیشیده شده است. با دقت در زمینه مفهومی این جنایات مشخص نیست که چه تعداد و با چه کیفیتی باید اتفاق بیافتند تا زنگ خطر برای اجرای مسئولیت جامعه بین‌المللی به صدا درآیند. به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و معاهدات مرتبط حقوق بشری تا حدودی بتوان این تقیصه را برطرف کرد.

⁷⁹. International Responsibility

⁸⁰. ICJ Judgment, Advisory Opinion, Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt, 1980, 89-90.

همچنین مسئولیت‌های جامعه بین‌المللی در مراحل بازسازی و پیش‌گیری نباید به صورتی باشد که قواعد آمره ای همچون اصل تعیین سرنوشت و اصل عدم‌مداخله در امور داخلی دولت‌ها نادیده گرفته شود. در این راستا قاعده آمره منع توسل به‌زور هم امکان گسترش معنایی در این طرح را دارد. امری که به‌صراحت در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد ممنوع است و تنها استثنای آن دفاع مشروع و نظام امنیت‌جمعی است. اگر شورای امنیت به‌درستی ایفای وظایف کند امکان جلوگیری از گسترش معنایی آن وجود دارد.

معیار تشخیص جامعه‌ای که نیاز به کمک داشته باشد تا بتوان از وقوع جنایات فوق جلوگیری شود در این ساختار مشخص نیست. همچنین در خصوص موضوع مهم ضمانت اجرای این طرح باید گفت که نیاز به طراحی نظامی هوشمند جهت طرح مسئولیت بین‌المللی است. به نظر می‌رسد این نظام می‌بایست به‌صورت چندلایه باشد تا سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه آفریقا و سازمان‌های جهانی مانند سازمان ملل متحد حسب مورد مسئول وظایف خود باشند.

منابع

فارسی

کتاب:

بیگ زاده، ابراهیم. *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. چاپ اول. تهران: مجد، ۱۳۸۹.

سرتیپی، حسین. *مداخلات بشردوستانه از تئوری تا عمل*. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶.

فلسفی، هدایت‌الله. *سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل (اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین‌الملل)*. چاپ اول. تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.

فلسفی، هدایت‌الله. *صلاح جاویدان و حکومت قانون (دیالکتیک همانندی و تفاوت)*. چاپ اول. تهران: نشر فرهنگ نو، ۱۳۹۰.

قاری سید فاطمی، سید محمد. *حقوق بشر در جهان معاصر (جلد اول)*. چاپ سوم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.

موسی زاده، رضا. *سازمان‌های بین‌المللی*. چاپ دهم. تهران: میزان، ۱۳۸۸.

موسی زاده، رضا. *سازمان‌های بین‌المللی*. ویرایش چهارم. تهران: میزان، ۱۴۰۲.

نجفی اسفاد، مرتضی. *بررسی حقوقی دکتترین مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.

مقاله:

امیر ارجمند، اردشیر. «گذار از عصر همکاری به عصر همبستگی در فرآیند جهانی‌شدن و تحول مفهوم دولت». *خبرنامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد*. (۲) ۱۳۸۵.

الفتی، آزاده، رستمی، فرزاد و احمدیان، قدرت. «دکتترین مسئولیت حمایت شورای امنیت در بحران یمن و سازوکارهای قدرت در خاورمیانه». *مطالعات روابط بین‌الملل* ۱۳، ۴۹، (۱۳۹۹): ۹-۴۱.

بیگ زاده، ابراهیم. «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایت بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». *مجله تحقیقات حقوقی* ۱، ۲۱-۲۲ (۱۳۷۷): ۶۹-۱۰۴.

داداندیش، پروین. «تحولات لیبی و دکتترین مسئولیت حمایت». *مجله راهبرد* ۲۱، ۶۲ (۱۳۹۱): ۱۶۹-۱۹۲.

ذاکریان، مهدی و مختاری، بهروز. «مؤلفه‌های حاکمیت مسئول و نقش گزارش‌گران حقوق بشر سازمان ملل متحد در ترویج آن‌ها». *مجله تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۱۸ (۱۳۹۳): ۲۱۷-۱۸۹.

سواری، حسن و حسینی بلوچی، مهدی. «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل». *پژوهش حقوق* ۱۳، ۳۲ (۱۳۹۰): ۱۷۳-۲۰۴.

عسکری، پوریا. «عدالت پس از جنگ و مسئولیت حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه». *مطالعات حقوق عمومی* ۴۶، ۴ (۱۳۹۵): ۹۵۷-۹۷۶.

قربان‌نیا، ناصر. «مداخلات بشردوستانه از منظر اخلاق». *مجله نامه مفید*، ۳۷ (۱۳۸۲): ۱۲۵-۱۵۲.

گل‌احمدی، احمد. «مفهوم، معنا، زبان». *پژوهش سیاست* ۱۲، ۲۹ (۱۳۸۹): ۲۳۷-۲۵۲.

محمدی، عقیل و حلال‌خور، مهرداد. «دکتترین مسئولیت حمایت: شکاف میان انتظارات و واقعیت‌ها». *مطالعات روابط بین‌الملل* ۱۴، ۵۳ (۱۴۰۰): ۱۸۵-۱۸۸.

ممتاز، جمشید و صابری انصاری، بهزاد. «تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل ممنوعیت تهدید و توسل به‌زور». *مجله راهبرد* ۲۱، ۶۳ (۱۳۹۱): ۱۷۵-۲۰۴.

ممتاز، جمشید، طارم سری، مسعود، مستقیمی، بهرام و مصفا، نسرين. «مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۷-۸ (۱۳۶۶): ۵-۸۹.

موسی زاده، رضا و فروغی‌نیا، حسین. «تعریف جنایت تجاوز در پرتوی قطعنامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا». *مجله راهبرد* ۲۱، ۶۳ (۱۳۹۱): ۱۴۱-۱۷۳.

میرعباسی، سید باقر و محمدی، عقیل. «چالش‌های اجرایی مسئولیت حمایت با نگاهی به وضعیت لیبی و سوریه». *پژوهش حقوق عمومی* ۱۹، ۵۷ (۱۳۹۶): ۹-۳۸.

وکیل، امیر ساعد. «وضعیت دارفور و غزه: میدان آزمون نظریه مسئولیت حمایت». *پژوهش حقوق* ۱۳، ۳۲ (۱۳۹۰): ۴۰۱-۴۴۴.

English

Books:

De Visscher, Charles, trans. *Theory and Reality in Public International Law*. Princeton: Princeton University Press, 1968.

Evans, Gareth, *The Responsibility to Protect: Ending mass Atrocity Crimes Once and For All*, Washington D.C: Broking Institution, 2008.

Schermers, Henry G and Blokker, Niels M, *International Institutional Law, Unity Within Diversity*, 5th Ed, MartinusNijhoff, 2011.

Schermers, Henry G and Blokker, Niels M , *International Institutional Law, Unity Within Diversity*, Martinus Nijhoff, 1995.

Senden, Linda, *Soft Law in European Community Law*, Oxford and Portland Oregon, Oxford Bloomsbury.2004.

Storper, Michael, Levinas, Lena and Mercado-Celis, Alejandro. "Society, Community, and Development: A Tale of Two Regions," in *Geographies of Innovation*, ed. Karen Polenske Cambridge: Cambridge University Press, 2006.

Article:

Bendatta, Borti and Lindestrauss, Gallia, "The International Action in Libya: Revitalizing the Responsibility", The Institute for National Security Studies, *INSS Insight*, no (250): 2011.

Glanville, Luke, "The Responsibility to Protect beyond Borders", *Human Rights law Review* 101, no.1 (2012): 1069-1095.

Gruchalla-Wesiersk, Tadeusz (1984), "A Framework for Understanding Soft Law", *McGill Law Journal*30, no.1 (2022): 37- 88.

Kaufmann-Kohler, Gabrielle, "Soft Law in International Arbitration: Codification and Normativity", *Journal of International Dispute Settlement* 1, no. (2010):283-299. DOI: [10.1093/lids/idq009](https://doi.org/10.1093/lids/idq009).

Kundat, Nadja, "The Responsibility to Protect as a General Principle of International Law", *Anuario Mexican de Perecho International* xi, (2011):187-226.

Lauterpacht, Eliho, "The Legal Irrelevance of the State of War", *Proceedings of the American Society of International Law at its annual meeting* 62, (1968): 58-68.

Massingham, Eve, "Military Intervention for Humanitarian Purposes: Does the Responsibility to Protect Doctrine Advance the Legality of the Use of Force for Humanitarian Ends?" *International Review of the Red cross* 91, no.876 (2009): 803-831.

Peters, Anne, "Humanity as the A and of Sovereignty", *The European Journal of International Law* 20, no.3 (2009): 549-555.

Senden, Linda, "Soft Law and its Implications for Institutional Balance in the EC", *Utrecht Law Review* 1, no.2 (2005): 78- 99.

Various documents:

Charter of the United Nation, 1945.

Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 1948.

Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples New, 1960.

Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples (A/Res/1514(xv))

Economic and Social Council Resolution 1235 (XLII), 42 U.N.

Economic and Social Council Resolution 1503 (XLVIII), 48 U.N.

Economic and Social Council Resolution 2000/3, E.S.C. Res. 3.

ICJ Judgment, Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), 2005.

ICJ Judgment, Advisory Opinion, Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt, 1980.

ICJ Judgment, Advisory Opinion, Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 ,1970.

ICJ Judgment, Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)

RC/RES.6, 2010.

Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS), 2001.

Rome Statute of the International Criminal Court, 1998.

S/RES/1706(2006)

S/RES/1973 (2011)

S/RES/2042(2012)

S/RES/2043(2012)

S/RES/2201(2015)

S/RES/2216(2015)

Summit Outcome document, 2005(A/Res/60/1)

UN Secretary-General. "A more secure world - Our shared responsibility". International humanitarian law, New York: United Nation Organization, 2004.

UN Secretary-General. "Implementing the responsibility to protect". International humanitarian law, New York: United Nation Organization, 2009.